



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

A Comparative Study of the Nature of the Material Element of Intentional Homicide in the Laws of Iran and the United Arab Emirates

Mousa Yekrangi¹, Zeinab Bagherinezhad^{2*}, Behzad Razavifard³

1. Department of Criminal Law and Criminology, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Department of Criminal Law and Criminology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The crime of intentional murder is the most severe crime against the physical integrity of people and it consists of two material and psychological elements in addition to the legal element. Therefore, it is important to examine its elements, especially the material element that perpetrates the crime.

Method: The present research has done a comparative study of "the material element of intentional homicide in the laws of Iran and the UAE" using library sources in a comparative and descriptive-analytical way.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality and originality of the work have been respected.

Results: The findings of this research show that the material element of the crime of murder in the law corresponds to the act of murder and in the Shariah to the destruction of the human soul and the relationship of causality in the law corresponds to the cause and effect relationship between the act of the criminal and the victim, meaning that there is no intermediate means in murder between them, which is reflected in the criminal laws of both countries according to Sharia and Islamic jurisprudence.

Conclusion: The material element of intentional homicide in the laws of the two countries is realized with the presence of three elements: aggression and assault on the life and life of the victim, death of the victim and finally the causal relationship that connects the act of assault and aggression with the result of this such action in Iran's legal system, unlike the UAE, considering that the material element of murder is one of the most important topics in criminal law, the legislator explicitly stated in Article 206 of the Criminal Law. It is considered necessary to commit the crime of murder, but it does not have any specification regarding the omission of the verb. In other words, murder by omission has not been considered in Iranian law; However, if there are certain conditions, the perpetrator can be held responsible for physical injury or murder in some cases.

Keywords: Material Element; Intentional Crime; Intentional Murder; Iranian Criminal Law; UAE Criminal Law

Corresponding Author: Zeinab Bagherinezhad; **Email:** zeinabbagherinezhad@iau.ac.ir

Received: December 31, 2023; **Accepted:** May 19, 2024; **Published Online:** August 11, 2025

Please cite this article as:

Yekrangi M, Bagherinezhad Z, Razavifard B. A Comparative Study of the Nature of the Material Element of Intentional Homicide in the Laws of Iran and the United Arab Emirates. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e63.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مطالعه تطبیقی ماهیت رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات متحده عربی

موسی یکرنگی^۱، زینب باقری نژاد^۲، بهزاد رضوی فرد^۳

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جنایت قتل عمدی شدیدترین جرم علیه تمامیت جسمانی افراد می‌باشد و علاوه بر عنصر قانونی از دو عنصر مادی و روانی تشکیل شده است. بنابراین بررسی ارکان آن به ویژه عنصر مادی که ارتکاب جنایت به آن وابسته است، دارای اهمیت می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی «رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات» با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به روش مقایسه‌ای و توصیفی - تحلیلی پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عنصر مادی جرم قتل در قانون با عمل قتل و در شرع با از بین رفتن روح آدمی و رابطه علیت در قانون با ارتباط علت و معلولی بین عمل مجرم و شخص مقتول مطابقت دارد، یعنی در بین آن‌ها هیچ وسیله واسطه‌ای در قتل وجود ندارد که این امر در قوانین جزایی هر دو کشور با توجه به شریعت و فقه اسلامی بازتاب یافته است.

نتیجه‌گیری: رکن مادی قتل عمد در حقوق دو کشور با وجود سه عنصر محقق می‌شود: ۱- تعدی و تعرض به حیات و زندگی قربانی؛ ۲- مرگ قربانی؛ ۳- در نهایت رابطه سببیتی که اقدام تعرض و تعدی را با نتیجه این کار مرتبط می‌سازد. در نظام حقوقی ایران برخلاف امارات، با توجه به اینکه رکن مادی قتل از مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری می‌باشد، قانونگذار به صراحت در ماده ۲۰۶ ق.م.ا انجام فعل را برای تحقق جرم قتل لازم و ضروری شمرده است، اما در خصوص ترک فعل هیچ تصریحی ندارد. به عبارت دیگر، قتل از طریق ترک فعل در حقوق ایران مورد توجه قرار نگرفته، اما چنانچه شرایطی حاکم باشد، تارک فعل را به دلیل صدمه جسمانی یا قتل در مواردی می‌توان مسئول دانست.

واژگان کلیدی: عنصر مادی؛ جنایت عمدی؛ قتل عمدی؛ حقوق کیفری ایران؛ حقوق کیفری امارات

نویسنده مسئول: زینب باقری نژاد؛ پست الکترونیک: zeinabbagherinezhad@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Yekrangi M, Bagherinezhad Z, Razavifard B. A Comparative Study of the Nature of the Material Element of Intentional Homicide in the Laws of Iran and the United Arab Emirates. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e63.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که همواره چه در گذشته و چه در عصر حاضر نظم و امنیت اجتماع را به هم می‌زند و اجرای عدالت را با چالش رو به رو می‌کند، قتل عمد است که از دیرباز، از جمله شدیدترین جرائم طبیعی جوامع بشری بوده و اغلب کشورها شدیدترین مجازات‌ها را برای آن وضع کرده‌اند، اما نکته اصلی در بحث قتل این است که آیا هر کشتن انسانی را می‌توان قتل عمد محسوب نمود؟ زیرا در این مسأله بحث اختیار و یا به عبارتی نیت و سوءنیت مطرح است، لذا قانونگذاران به تقسیم‌بندی شرایط قتل عمد در قالب ارکان قانونی، مادی و معنوی مبادرت ورزیده‌اند. از آنجا که نگارنده در این پژوهش درصدد بررسی «رکن مادی» قتل عمد است، می‌توان گفت که رکن مادی در قالب کشتن یک انسان در قید حیات نمایان می‌شود و نتیجه جنایی حاصله از این عمل، از بین رفتن روح این شخص و وجود رابطه سببیت بین عمل مجرم و مرگ مقتول است و منظور از رابطه علی (سببیت) پیوند مستقیم و نزدیک نتیجه جنایی با عمل مجرم است.

بنابراین می‌توان چنین گفت که رکن مادی اولین عنصر رفتار مجرمانه یا فعالیت مجرمانه است. این رفتار ممکن است مثبت باشد، مانند اقدام به تیراندازی در قتل، اختلاس در سرقت، درخواست یا قبول پیشنهاد و هدیه در جرم رشوه، و ممکن است منفی باشد، یعنی مرتکب از انجام وظیفه قانونی خودداری کند، به عنوان مثال خودداری مادر از بستن بند ناف نوزاد.

عنصر مادی جرم قتل در قانون امارات عبارتست از عمل قتل و در شرع با از بین رفتن روح آدمی تطابق دارد و رابطه علیت در قانون با ارتباط علت و معلولی بین عمل مجرم و شخص مقتول مطابقت دارد، یعنی در بین آن‌ها هیچ واسطه‌ای در قتل وجود ندارد. در حقوق جزایی ایران نیز منظور از عنصر مادی آن است که مقاصد و افکار مجرمانه مرتکب از حالت فکر و تهیه نقشه جدا شده و به مرحله عمل برسد و جنبه مادی، خارجی و واقعی به خود بگیرد. به این ترتیب تجلی نیت مجرمانه همراه با ارتکاب فعل یا ترک فعل، ارکان لازم جنایت عمدی را

تشکیل می‌دهد. بنابراین شرکت مرتکب در عملیات اجرایی جرم و احراز قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه برای تحقق جرائم عمدی لازم و ضروری است. نظام جزایی هر دو کشور منبعث از اسلام و فقه اسلامی است و این موضوع سبب شده تا در مباحث در حوزه قتل عمد و ارکان آن، خاصه رکن مادی تشابهات فراوانی وجود داشته باشد، هرچند که میان دو قلمرو فقه عامه و امامیه نیز تفاوت‌هایی وجود دارد که این تمایزات در گستره قوانین موضوعه جزایی دو کشور مزبور هم بازتاب اساسی دارد.

هدف نگارنده در این پژوهش بررسی ماهیت ارکان قتل عمد با تأکید بر ماهیت رکن مادی در نظام حقوقی ایران و امارات و ارائه راهکارهای حقوقی مناسب در جهت برطرف‌نمودن ضعف‌های حقوقی ایران در خصوص مجازات قتل عمد است. از این رو پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک ماهیت و اجزای رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات کدامند؟ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به نظر می‌رسد که نقش رکن مادی در قتل عمد در نظام حقوقی دو کشور پذیرفته شده است، اما در نظام حقوقی کیفری ایران که متأثر از فقه امامیه است با حقوق کیفری امارات در این زمینه تفاوت وجود دارد. در نظام حقوقی امارات سه عامل عمل قتل، رابطه علیت و نتیجه، ارکان تشکیل‌دهنده رکن مادی قتل عمد هستند.

۱. **مفهوم قتل:** قتل در لغت به مفهوم ازهراق یا خارج‌ساختن روح از کالبد یک انسان زنده است. در مقابل قتل یا کُشتن، موت یا وفات (فوت) قرار دارد. خروج خود به خودی روح از بدن، «موت یا اجل یا فوت (وفات)» نامیده می‌شود، در حالی که به اخراج آن توسط خود یا دیگری «قتل یا کُشتن» اطلاق می‌گردد. از این رو قتل یا کُشتن، مستلزم فعل خود یا دیگری است، لیکن در موت یا خروج خود به خودی روح از بدن نیازی به فاعل وجود ندارد. بنابراین قتل در معنای موسع، هر نوع سلب حیات از یک انسان زنده است و این تعریف شامل کلیه مصادیق عمدی و غیر عمدی، عدوانی و غیر عدوانی (قانونی)، مستوجب قصاص و غیر آن و حتی شامل خودکشی نیز می‌شود.

برخی در تعریف قتل گفته‌اند: «لطمه به حیات دیگری وارد ساختن از غیر طریق سقط جنین، خواه به واسطه عمل فیزیکی و مادی باشد، خواه به واسطه ترک آن مثل شیرندادن مادری به طفل شیرخوار خود که تحت حضانت اوست تا او بمیرد که در هر صورت باید قصد داشته باشد که به غیر از این، قتل غیر عمدی صدق می‌کند» (۱).

برخی نیز گفته‌اند: جنایت قتل یک انسان عملی برای از بین رفتن روح است (۲). قتل عملی است که باعث از بین رفتن نفس می‌شود که همانا جدایی روح از بدن است (۳).

۱-۱. قتل از منظر حقوق جزای ایران: در قوانین جزایی ایران در ماده ۱۷۰ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ در خصوص قتل عمدی آمده بود که: «مجازات مرتکب قتل عمدی اعدام است، مگر در مواردی که قانوناً استثنا شده باشد.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، جرم قتل را قانونگذار تعریف نکرده است، لیکن حقوقدانان کیفری با استفاده از قواعد حقوق جزا و روح قانون قتل عمدی را به عنوان سلب عمدی حیات انسان دیگری تعریف نموده‌اند. در ماده ۱۷۱ همان قانون نیز آمده بود: «هر کس به شخصی عمداً جرح یا ضربی وارد آورد که منجر به موت مجنی‌علیه گردد، بدون اینکه مرتکب قصد کشتن را داشته باشد، به حبس با اعمال شاقه از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد، مشروط به اینکه آلتی که استعمال شده است، قتاله نباشد و اگر آلت قتاله باشد، در حکم قتل عمدی است.» در این خصوص هم تعریف قتل عمدی صدق می‌کند، نهایت اینکه استفاده از آلت قتاله به عنوان قائم‌مقام قصد کشتن یا قصد مطرح می‌باشد.

بعد از پیروزی انقلاب قتل نفس در ماده ۲۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بر سه نوع تقسیم شده است: ۱- عمد؛ ۲- شبه‌عمد؛ ۳- خطا، ولی در مواد دیگری اقسام متعددی از قتل را بیان نموده است. چنانکه در تبصره ۳ ماده ۲۹۵ این قانون آمده است: «هرگاه بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود، به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد، قتل و یا ضرب و جرح در

حکم شبه‌عمد خواهد بود.» تبصره ۲ ماده مذکور نیز از خطای شبه‌عمد سخن به میان آورده است: «در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی‌علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است، قتل به منزله خطای شبیه عمد است.» در بند «ب» ماده ۲۹۵ نیز به نوع دیگری از قتل خطای شبیه عمد اشاره می‌کند: «قتل یا جرح یا نقص عضو که به صورت خطای شبیه عمد اتفاق می‌افتد و آن در حالتی است که جانی نوعاً قصد فعلی را که علت جنایت نمی‌شود داشته باشد و قصد جنایت را در مورد مجنی‌علیه نداشته باشد، مانند آنکه کسی را به قصد تأدیبه به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقاً باعث جنایت گردد یا ...»

پس از آن قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۹ چنین بیان نموده است: «جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض است» و به مصادیق و جزئیات آن در مواد ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲ و مواد بعدی اشاره نموده است. بنابراین به همه برداشت‌های متفاوت و اختلافات خاتمه بخشیده و قتل را بر همین سه نوع منحصر دانسته است. باید دقت نمود که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانونگذار از عبارت «جنایت بر نفس و اعضا» استفاده کرده است که جنایت را در فقه: «وارد کردن آسیب جسمی به انسان یا حیوان گویند، اعم از اینکه منجر به قتل شود یا صرفاً باعث ایجاد جراحت گردد.»

۲-۱. قتل از منظر حقوق جزای امارات: طبق قانون شماره ۳ فدرال مصوب ۱۹۸۷، قانون مجازات امارات متحده عربی جنایات را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱- جنایت؛ ۲- تخلف؛ ۳- بزه. همانطور که در ماده ۲۶ قانون مجازات ذکر شده است، جنایات بر اساس مجازات ناشی از ارتکاب چنین جرمی طبقه‌بندی می‌شوند. قتل در امارات متحده عربی به عنوان جنایت طبقه‌بندی می‌شود و مجازات آن حبس ابد است. این مجازات در مورد هر شخصی که مطابق ماده ۳۳۲ همان قانون قتل عمد را علیه فرد دیگری انجام دهد، اعمال می‌شود. به

دنبال تشریح ماده ۳۸ قانون مجازات امارات متحده عربی عنصر اخلاقی جرم، مانند سوء قصد جنایت در یک مورد خاص را بررسی می‌کند. با این حال، اگر قتل اولاً عمدی؛ ثانیاً همراه با ارتکاب جنایت دیگر باشد، مجازات ممکن است به مجازات اعدام تبدیل شود. ارتکاب قتل به همراه سرقت نمونه‌ای از این جرائم است. ماده ۳۳۳ این قانون از منظر قانونی تشریح می‌کند که قتل عمد و قصد آن چیست. قانون شریعت همچنین نقش مهمی در تعیین حکم یک مجرم دارد. شریعت ملزم می‌دارد که از خویشاوندان نسبی متوفی در مورد حکمی که بر اساس دین و قوانین اسلامی برای متهم تعیین می‌شود، مشورت شود. بر اساس قوانین امارات متحده عربی، حکم مجرم و غیر مجرم تنها پس از صدور حکم می‌تواند اعلام شود و حق تصمیم‌گیری درباره این حکم به بستگان قربانی داده می‌شود. اقوام می‌توانند از این حق به سه طریق استفاده کنند: ۱- آن‌ها می‌توانند حکم اعدام صادر کنند؛ ۲- از حق خود برای تصمیم‌گیری در مورد حکم اعدام صرف نظر کرده و درخواست پرداخت دیه کنند؛ ۳- متهم را بدون مجازات آزاد کنند. اگر مجرم گناهکار شناخته شود، مجازات‌های تعیین‌شده به دو جنبه تقسیم می‌شود: نخست مجازات شرعی که طبق درخواست خانواده تعیین شده است؛ دوم حکم کیفری که توسط قاضی در دادگاه صادر می‌شود. به عبارت دیگر، قاتلی که توسط خانواده به اعدام محکوم شده است نیز قبل از تأیید حکم اعدام با حبس رو به رو خواهد شد. از سوی دیگر، اگر متهمان به طور کامل توسط خانواده مورد عفو قرار گیرند، همچنان باید با مجازات کیفری رو به رو شوند که معمولاً به حبس تعزیری برای چند سال معین محکوم می‌شود. با این حال، اگر خانواده تصمیم بگیرند در عوض دیه را بپذیرند، قاضی دادگاه ممکن است مدت حبس کمتری را صادر کند. علاوه بر این، ماده ۳۳۶ بیان می‌دارد که: «قاتل در صورت تعرض به فرد دیگری بدون قصد قتل (که بستگی به شرایط وخامت اوضاع دارد)، اگر این حمله منجر به قتل شود و توأم با سایر جنایات باشد حداقل به ده سال حبس ابد محکوم می‌شود.»

به همین ترتیب، مواد ۳۴ و ۳۵ قانون مجازات تلاش برای ارتکاب جنایت مانند قتل را به عنوان شروع به انجام جرم با قصد واقعی تعریف می‌کند، اما به دلیل تشدید شرایط خارج از کنترل متهم، آن را کامل نمی‌کند. ماده ۳۵ مجازات این‌گونه جرائم را تعیین می‌کند؛ بنابراین مجازات اقدام به قتل، حبس ابد است، زیرا مجازات جنایت کامل شده، حکم اعدام دارد. این چهارچوب قانونی است که توسط قانون مجازات امارات متحده عربی و قانون شرعی برای قتل وضع شده است.

قانون مجازات امارات متحده عربی مایل به حفاظت از جان مردم است و این یعنی جرم هرگونه تجاوز است و به هر شکلی که باشد، زیرا که به دنبال آن تأکید دارد بر اینکه هر کس که مرتکب جرم قتل شود و این به خاطر دفاع از حق انسان در زندگی دنیوی است و قانونگذار اماراتی این موضوع را در بند اول ماده ۳۳۲ از قانون مجازات بیان کرده است: «هر کس شخصی را عمداً به قتل برساند، باید به حبس ابد یا حبس موقت مجازات شود» (۴).

۲. قتل عمد در حقوق ایران و امارات: اگر جرم را رفتاری برهم‌زننده نظم اجتماعی بدانیم، بدون تردید قتل عمدی از قبیل مهم‌ترین جرائم و احتمالاً مهم‌ترین آن‌هاست، به این دلیل که قربانی این جرم، زندگی آدم است که به معنای با ارزش‌ترین و برترین دارایی وی به شمار می‌رود. قتل عمدی از دیدگاه پروفیسور گارو (Garro) عبارت از: «سلب عمدی حیات از فرد زنده است، توسط دیگری و بدون مجوز قانونی» (۵).

۱-۲. قتل عمد از منظر حقوق جزای ایران: حقوقدانان ایران تعاریف گوناگونی از قتل عمد ارائه نموده‌اند و شاید عدم تعریف این قتل در قانون مجازات اسلامی، علت عدم توافق بر سر تعریفی واحد از قتل عمد است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود: برخی معتقدند: «قتل، کشتن انسان است با استفاده از اسلحه گرم یا سرد و...، چه اینکه مستقیم باشد یا غیر مستقیم» (۶). در این تعریف اشاره‌ای به قصد قاتل نشده، امکان دارد کشتن انجام شود، اما از نظر نبود قصد قتل تبدیل به شبه‌عمد شود، مثل قتل به موجب تصادفات رانندگی. بعضی دیگر در خصوص قتل گفته‌اند: «قتل عمدی عبارت است از

فعل فاقد مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک فرد، به طوری که منجر به مرگ شخص دیگری شود» (۷).

با توجه به اینکه قانون، مهم‌ترین منبع حقوق جمهوری اسلامی ایران است، هیچ کدام از تعاریف ذکرشده در برابر قانون مجازات اسلامی، قابلیت اجرایی ندارد و تنها به صورت یک منبع ارشادی قابل بررسی است؛ بر این اساس مستند اصلی ما جهت تحلیل اجزای تشکیل‌دهنده جرم قتل عمدی، قانون مجازات اسلامی است و از دیگر منابع ارشادی در جایگاه تطبیق و یادآوری نقاط قوت یا ضعف قانون استفاده خواهیم کرد.

همانطور که گفته شد، در قانون جزای ایران قتل عمد تعریف نشده، اما در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ۴ بند و ۲ تبصره حالات مختلف آن بیان شده است. بر اساس این ماده ۴ حالت برای قتل عمد می‌توان در نظر گرفت: ۱- شخص قصد کشتن مقتول را دارد، اعم از اینکه فعل یا عمل مرتکب کشنده باشد یا نباشد که در این حالت صرف قصد کشتن مهم است و فعل شخص «الف» باید عرفاً کشنده باشد، یعنی تشخیص آن با عرف می‌باشد؛ ۲- شخص بدون قصد کشتن مجنی‌علیه (مقتول) فعل یا رفتاری را انجام دهد که عرفاً کشنده یا مرگ‌آور است و منجر به قتل شود. این نوع قتل در نزاع و دعوای خیابانی بسیار دیده می‌شود. در این نوع قتل علم و آگاهی شخص (قاتل) نسبت به کشنده‌بودن عمل خود اهمیت دارد؛ ۳- مرتکب نه قصد کشتن دیگری را دارد و نه رفتار و فعل او عرفاً کشنده است، اما چون مجنی‌علیه (مقتول) دارای وضعیت خاص مثل بیماری، پیری و... یا هر وضعیت دیگر و یا به علت خاص مکانی یا زمانی است، به لحاظ عرفی کشنده و سبب قتل می‌شود. اصل بر عدم علم و آگاهی مرتکب به وضعیت خاص مجنی‌علیه است و باید ثابت شود که مرتکب وضعیت خاص مجنی‌علیه را می‌دانسته و انجام چنین عملی سبب مرگ او می‌شود، در غیر این صورت قتل واقع شده عمدی نیست؛ ۴- مرتکب قصد انجام جنایتی را دارد، بدون اینکه فرد یا جمع معینی هدف او باشد، در نهایت جنایت مقصود یا شبیه آن اتفاق بیفتد، مثل بمب‌گذاری در اماکن عمومی.

قانونگذار ایران برای قتل عمد در ۴ مورد ذکرشده دو نوع مجازات تعیین کرده است:

۱- قصاص: اولین و شدیدترین مجازات برای قتل عمد قصاص است که طبق ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوبه ۱۳۹۲ مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر در قانون، قصاص می‌شود.

۲- دیه: در صورت رضایت اولیای دم به جای قصاص دیه جایگزین می‌شود. طبق قانون دیه ظرف مدت یک سال قمری به اولیای دم پرداخت شود که علاوه بر آن، در صورت عدم قصاص به مجازات حبس ۳ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود.

بنابراین در حقوق ایران اصولاً مجازات قتل عمدی، قصاص نفس است، لکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامل یا به کمتر یا زیادتر از آن تبدیل می‌شود. به موجب ماده ۶۱۲ ق.م.ا (بخش تعزیرات) نیز: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته، اما از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید».

قصد و انگیزه شرط اصلی قتل عمدی است، اما خود قصد و انگیزه دو نوع است: ۱- انگیزه مجرمانه که در آن شخص قصد انجام عمل و نتیجه آن را دارد؛ ۲- انگیزه انجام عمل به تنهایی، بدون خواستن نتیجه آن. فقهای مالکی معتقدند که عمدی‌بودن به قصد انجام عملی انتزاعی (به تنهایی) حاصل می‌شود، خواه نتیجه مطلوب حاصل شود و یا نشود، پس مدار قضاوت و حکم آن‌ها همان قصد و انگیزه عدوانی (تعدی و تجاوز) است، بدون در نظر گرفتن وسیله قتل (۸).

۲-۲. قتل عمد از منظر حقوق جزای امارات: تأکید موکد اسلام و فقه اسلامی بر جلوگیری از قتل عمد و عقوبات آن در صورت ارتکاب سبب شده است تا همواره در قوانین کشورها به این موضوع حساس بوده و برای مقابله با آن، قوانین جزایی و کیفری سختی را تصویب نمایند. این مسأله در قوانین کیفری امارات نیز بازتاب یافته است تا آنجا که قانون مجازات امارات

متحدۀ عربی تمایل به حفاظت از جان مردم داشته و این یعنی جرم‌دانستن هرگونه تجاوز و به هرشکلی که باشد (زیرا که به دنبال آن تأکید دارد بر اینکه هر کس که مرتکب جرم قتل شود)، به خاطر دفاع از حق انسان در زندگی دنیوی است (۹). قانونگذار اماراتی این موضوع را در بند اول ماده ۳۳۲ از قانون مجازات بیان کرده است: «هر کس شخصی را عمداً به قتل برساند، باید به حبس ابد یا حبس موقت مجازات شود.»

ماده ۲۷ قانون اساسی امارات متحدۀ عربی اشعار می‌دارد که: «قانون، جرائم و مجازات‌ها را تعریف می‌کند. هیچ مجازاتی برای انجام یا ترک فعل قبل از صدور قانون علیه آن، در نظر گرفته نمی‌شود.» مطابق ماده ۲۸ همین قانون: «مجازات، شخصی بوده و متهم تا زمان اثبات جرم وی در محاکمه‌ای قانونی و عادلانه، بی‌گناه خواهد بود. متهم حق دارد فردی را وکیل کند که توانایی دفاع از وی را در طول محاکمه داشته باشد.»

همچنین قانون مواردی را که باید وکیل از طرف متهم حضور داشته باشد، مشخص می‌کند. در حقوق امارات آسیب‌رساندن به شخص متهم چه جسمی و چه روحی ممنوع است.

در قانون جزایی این کشور اصل این است که هر جرمی از دو رکن تشکیل می‌شود: ۱- رکن مادی؛ ۲- رکن معنوی. اگر یکی از آن‌ها کنار گذاشته شود، این عمل غیر مجرمانه محسوب می‌شود، همانطور که در قانون برای برخی از جرائم قصد و غرض خاص لازم است. منظور از رکن مادی جرم، آن‌گونه که در ماده ۳۱ قانون مجازات فدرال و اصلاحات آن بیان شده، هرگونه فعالیت مجرمانه با ارتکاب عمل یا ترک فعل است، هر زمان که چنین ارتكابی یا ترک فعلی از نظر قانون جرم باشد.

اما منظور از رکن معنوی جرم، مطابق ماده ۳۸ قانون مجازات فدرال، عمد یا اشتباه است. عمد، جهت‌گیری اراده مرتکب (جنایتکار) به سوی ارتکاب فعل یا ترک آن است، زمانی که این دو از نظر قانون جرم شناخته شده باشند و این امر به دلیل وقایع ناشی از پیامد مستقیم یا پیامد مجرمانه دیگری است که جنایتکار انتظار دارد.

۳. رکن مادی قتل بر اساس ماهیت رفتار ارتكابی در حقوق ایران و امارات: منظور از رکن مادی این است که جرم باید فعلیت یابد و وجود خارجی پیدا کند و صرف تصور و اراده‌ای که فعلیت نیافته و یا تهیه مقدمات ارتکاب آن، جرم محسوب نمی‌شود. اصول اخلاقی، افکار پلید و قصد مجرمانه را مورد نکوهش قرار می‌دهند، ولی حقوق جزا که هدف اصلی آن دفاع از اجتماع است، فکر و اندیشه ضد اجتماعی و همچنین تصمیم به ارتکاب جرم و حتی تهیه مقدمات آن را مجازات نمی‌کند، زیرا چنین اندیشه و تصمیمی نظم اجتماعی را به هم نمی‌زند. حقوق جزا، وقتی اندیشه و تصمیم را مورد مجازات قرار می‌دهد که به وسیله اعمال مادی و خارجی ظهور یافته باشند (۱۰)، زیرا قصد سوء تا وقتی که انسان برای واقعیت بخشیدن به آن جازم نیست، خطری برای نظم اجتماعی دربر ندارد. بنابراین شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتکاب عمل خاصی به مرحله فعلیت برسد (۱۱).

در بحث از عنصر یا همان رکن مادی باید گفت که رکن مادی در اکثر جرائم وجود دارد. افکار شرورانه، هرچند در نفس رسوخ کرده باشد یا تصمیم مجرمانه قطعی یا پافشاری پیشین تا زمانی که تنها پدیده‌ای نفسانی و ذهنی هستند و راه خود را برای بیان مادی بیرون از ذهن صاحبانش نیافته‌اند، جرم نیستند (۱۲). بنابراین جانی باید قصد قتل داشته باشد، همانطور که باید همراه با قصدش از فعلی استفاده کند که توانایی کشتن فرد مقصود را داشته باشد، هرچند به طور نادر باشد، ولی صلاحیت قتل را داشته باشد. حال جرم قتل نیز همچون سایر جرائم معمولاً با فعل مثبت مثل سم‌دادن، چاقوزدن، تیراندازی و این قبیل اعمال صورت می‌گیرد، ولی گاهی نیز به صورت خودداری از انجام وظیفه و به عبارت بهتر ترک فعل در مقابل فعل مثبت انجام می‌شود.

۳-۱. مفهوم رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران: عنصر مادی عبارت است از تظاهر خارجی فعل و انفعالات ذهنی مجرمانه که عمدتاً به صورت فعل یا ترک فعل یا فعل ناشی از ترک فعل تجلی پیدا می‌کند. در قتل عمد عنصر مادی عبارت است از سلب حیات از انسان زنده، لذا برای تحقق آن رفتار

مجرمانه‌ای که از نظر فیزیکی قادر به سلب حیات باشد، ضروری است. در اینکه فعل مثبت مادی چنین صلاحیتی را دارد، تردیدی نیست، اما پاسخ به اینکه آیا ترک فعل یا فعل ناشی از ترک فعل یا افعال مثبت غیر مادی قادر به سلب حیات هستند یا خیر، دشوار است. از طرف دیگر قتل عمد از جرائم مقید به نتیجه است، لذا علاوه بر تحقق نتیجه مجرمانه، یعنی سلب حیات از انسان زنده، رابطه علیت بین فعل و نتیجه مجرمانه نیز ضرورت پیدا می‌کند.

جمعی از حقوقدانان رکن مادی جرم را عبارت از یک عمل مثبت یا منفی دانسته‌اند. بعضی نیز معتقدند رکن مادی جرم در واقع، حقیقت و ماهیت عمل ضد اجتماعی است. عده‌ای دیگر نیز هر آنچه که از شمول فعل و انفعال ذهنی مرتکب خارج و به نحوی، تجلی بیرونی داشته باشد، در چهارچوب رکن مادی قابل بررسی دانسته‌اند (۱۳).

بدیهی است که رفتار مرتکب در تمامی انواع جنایت اعم از عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض از نظر رکن مادی همسان بوده و وجه تمایز آن‌ها را باید در رکن معنوی آن‌ها جستجو کرد (۱۴). در حقوق ایران نظرات گوناگونی در ارتباط با ماهیت عنصر مادی جرم وجود دارد. عنصر مادی جرم را نمی‌توان آن‌گونه که برخی تصور می‌کنند، تنها شامل رفتاری که از مرتکب سر می‌زند، دانست، بلکه باید گفت که عنصر مادی جرم دارای سه جزء می‌باشد که بدون تحقق کامل آن‌ها عنصر مادی به وجود نمی‌آید و در نتیجه جرم مورد نظر رخ نمی‌دهد. اولین جزء عبارت است از رفتار فیزیکی که با توجه به توصیفی که قانونگذار از هر جرم کرده است، می‌تواند فعل (اعم از کردار یا گفتار) یا ترک فعل باشد. اکثر جرائم از نوع اول می‌باشند، لیکن برخی از جرائم با عدم انجام کاری که قانون بر عهده یک فرد مکلف گذاشته است ارتکاب می‌یابند، مانند ترک انفاق، عدم ثبت واقعه ازدواج دائم، عدم قبول یا رسیدگی به شکایت یا تظلم از سوی مقامات قضایی، خودداری از ثبت ولادت یا فوت و... (۱۵).

دومین جزء اینکه برای تحقق هر جرمی، قتل یا ترک فعل مرتکب باید در شرایط خاصی رخ داده باشد که این شرایط

ممکن است مربوط به مجرم، قربانی، زمان و مکان ارتکاب جرم، مال موضوع جرم و یا هر چیز دیگری باشد، به علاوه، این شرایط ممکن است ایجابی (وجودی) یا سلبی (عدمی) باشد. به عبارت دیگر، گاه مقنن وجود شرطی را برای تحقق جرم خاصی ضروری دانسته است (مثل مال‌بودن چیز ربوده‌شده در جرم سرقت) و گاه عدم آن را لازم می‌داند (مثل فقدان رضایت در جرم تجاوز جنسی یا زنا به عنف) (۱۵).

منظور از نتیجه در جرائم واقعه‌ای است که مؤخر بر رفتار یا همزمان با آن حاصل می‌شود و باید معلول رفتار مرتکب باشد (۱۴). از همین رو سومین جزئی که برای تکمیل عنصر مادی جرم لازم است، وقوع نتیجه مشخص‌شده از سوی مقنن می‌باشد. بدیهی است تحقق جرائمی که مقنن آن‌ها را مطلق و نه مقید به نتیجه خاص دانسته است، نیازی به جزء سوم عنصر مادی ندارد. این جرائم، بدون نیاز به منتج‌شدن فعل یا ترک فعل به نتیجه خاص، به وقوع می‌پیوندند. از جمله این جرائم می‌توان از افشای اسرار توسط شاغلین به حرفه‌های خاص، ادای سوگند دروغ و ادای شهادت کذب نام برد (۱۵).

۲-۳. مفهوم رکن مادی قتل عمد در حقوق امارات: در فصل دوم از قانون مجازات امارات به ارکان جرائم پرداخته شده است که بر این اساس ماده ۳۱ این قانون رکن مادی جرم از فعالیت مجرمانه‌ای تشکیل می‌شود که با فعل یا ترک فعل صورت می‌گیرد، آن هم در صورتی که این فعل یا ترک فعل قانوناً جرم باشد.

موضوع قتل نیز در حقوق امارات انسان زنده است، پس باید ابتدا و انتهای زندگی انسان را مشخص کرد. قانونگذار امارات در قانون مجازات اسلامی به این موضوع اشاره نکرده است، بلکه موضوع را به ماده ۷۱ قانون معاملات مدنی امارات اجاع داده که بیان می‌کند: «شخصیت یک فرد با تکمیل تولد او شروع می‌شود» (قانون فدرال شماره ۵ امارات مصوب ۱۹۸۷ در مورد معاملات مدنی). بر این اساس می‌توان گفت که جنین وقتی زنده است وصف انسان را به دست می‌آورد و با مرگش به پایان می‌رسد. لحظه‌ای که زنده به دنیا آمد، یعنی از لحظه‌ای که از بدن مادرش جدا می‌شود، اما قبل از جدایی جرم دیگری

است که ارکان آن در قانون است (۹). زندگی انسان نیز یا با مرگ طبیعی پایان می‌یابد: یعنی لحظه‌ای که قلب و تنفس او نهایتاً به طور کامل از حرکت باز می‌ایستد یا از راه مرگ بالینی، یعنی وقتی که مغز او کاملاً متوقف می‌شود، حتی اگر قلب و تنفس او از طریق دستگاه احیا هنوز کار کنند و این از جمله مواردی است که به متخصصانی که دکترای پزشکی قانونی هستند، ارجاع داده می‌شود.

عنصر مادی جرم در حقوق امارات بر سه رکن استوار است:

۱- فعل قتل: ماده ۳۱ قانون مجازات فدرال در مورد عنصر مادی قتل می‌گوید: «عنصر مادی جرم عبارت است از فعالیت مجرمانه از طریق ارتکاب فعل یا ترک فعل در صورتی که این عمل یا ترک فعل توسط قانون جرم‌انگاری شده باشد. از متن ماده چنین برداشت می‌شود که مثلاً بین تیراندازی به مقتول و شکنجه او با محرومیت از دارو، به شرطی که عملی که مرتکب علیه مقتول انجام داده، طبق قانون جرم باشد، تفاوتی ندارد.

۲- رابطه سببیت: رابط بین فعل و نتیجه تلقی می‌شود و نقش آن در این است که نشان دهد عمل چه سهمی در ایجاد نتیجه داشته است یا به عبارت دیگر اثبات کند که فعل موجب نتیجه بوده است. به عنوان مثال، اگر زید به عمر ضربه بزند، زید در حالی که در وضعیت بحرانی قرار دارد با آمبولانس به بیمارستان منتقل می‌شود و به دلیل وجود وسایل الکترونیکی در آمبولانس آتش‌سوزی ناگهانی رخ می‌دهد، بنابراین علت مرگ زید آتش‌سوزی بوده، نه ضرب و شتم، و بنابراین نمی‌توان گفت که عمل عمر به نتیجه‌ای اجتناب‌ناپذیر منجر شد (۱۶).

نتیجه: ماده ۳۲ قانون مجازات اسلامی امارات مقرر می‌دارد که: شخص در قبال جرمی که نتیجه فعالیت مجرمانه او نبوده است، مسئول شناخته نمی‌شود (۱۷).

۴. مفهوم رابطه سببیت: برای تعیین مفهوم سببیت از منظر فقهای امامیه، باید به مفهوم سبب پرداخت. سبب در اصطلاح فلسفی به امری گفته می‌شود که از وجودش، وجود و از عدمش عدم معلول لازم می‌آید. به عبارت دیگر، بین سبب و

مسبب ملازمه عرفی از جهت عدمی و وجودی برقرار است. همچنین علت در اصطلاح مذکور به امری اطلاق می‌شود که از حیث عدمی و وجودی با معلول ملازمه عقلی دارد. با وجود این، چنانکه بسیاری از فقها و حقوقدانان گفته‌اند، در سبب معنای فلسفی و عقلی آن مراد نیست (۱۸)، اما در اینکه مفهوم سببیت چیست، دیدگاه‌ها متفاوت است. در نظر بسیاری از فقهای امامیه، سبب به معنای شرط است، به این معنا که اگر نبود، خسارتی به بار نمی‌آمد. صاحب جواهر نیز در کتاب غصب پس از نقل تعریف‌های فقها از تسبیب بیان می‌دارد: سبب به معنای علت تامه و به معنای اصطلاحی، یعنی چیزی که از وجودش وجود حاصل شود و از عدمش عدم پدید آید بر حسب ذاتش نیست، بلکه مراد از آن شرط است (۱۹). ماده ۵۰۶ ق.م.ا نیز این ضابطه را در تعریف تسبیب پذیرفته است. از نظر این دسته از فقها، سبب امری است که اگر نبود، خسارت یا جنایت واقع نمی‌شد، بدون اینکه وجود آن برای تحقق خسارت کافی باشد. به عنوان مثال، چنانچه راننده‌ای با انحراف به چپ، به راننده دیگری که با سرعت غیر مجاز در حرکت است، برخورد کند، سبب ورود خسارت است، چرا که اگر انحراف او به چپ نبود، خسارت مذکور واقع نمی‌شد. این معیار در حقوق کامن‌لا نیز برای احراز رابطه سببیت مورد توجه قرار گرفته است. در این سیستم ورود خسارت را شرط لازم حقوقی و معمولاً سبب واقعی می‌دانند و برای احراز اینکه چه شرطی، شرط لازم و سبب واقعی ورود خسارت است، به معیار «اگر ... نبود» روی می‌آورند و این پرسش را مطرح می‌کنند که اگر فعل خوانده نبود، باز هم خسارت واقع می‌شد؟ در صورت منفی‌بودن پاسخ، خوانده مسبب است و چنانچه پاسخ مثبت باشد، وی سبب واقعی محسوب نمی‌شود (۱۲).

۴-۱. رابطه سببیت در حقوق ایران: نکته‌ای که در کلام فقها و حقوقدانان به چشم می‌خورد، این است که رابطه سببیت از اهمیت چشم‌گیری برخوردار است و اگر سببیت برقرار باشد، می‌توان تارک فعل را قاتل محسوب داشت.

جای بررسی رابطه سببیت، رکن مادی جرم است، زیرا حلقه پیوند میان فعل و نتیجه جرم است، بدان معنا که تحقق رکن مادی بر پایه سه عنصر فعل، نتیجه، و رابطه سببیت میان این دو است؛ بنابراین نقش رابطه سببیت بیان سهم فعل در ایجاد نتیجه است یا به سخن دیگر، اثبات این است که فعل سبب حدوث این نتیجه بوده است. بنابراین رابطه سببیت در واقع بخشی از رکن مادی در جرائم مقید به نتیجه است (۱۴).

رابطه سببیت به دو شکل مباشر و تسبیب امکان پذیر است، همانطور که در ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی نیز چنین آمده است که: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصل مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود.»

نوع اول از رابطه سببیت، مباشرت است که در حقیقت ایجاد علت تلف است (۲۰) و طبق ماده ۴۹۴ ق.م.ا جنایت مستقیم توسط مرتکب را مباشرت گویند؛ حالت دوم ارتکاب جنایت، تسبیب است که مأخوذ از سبب است و به معنای وسیله نیل به چیزی دیگر است. در قانون مجازات اسلامی ایران برابر ماده ۵۰۶، تسبیب، به معنای سبب جنایت شدن است، ولیکن شخص به طور مستقیم کاری را انجام نمی دهد و جنایتی را مستقیماً مرتکب نمی گردد. به عبارت بهتر علت جنایت، عمل مرتکب نیست، بلکه مرتکب برای ارتکاب سبب سازی می کند (۱۴).

رابطه سببیت بین ترک فعل و نتیجه (مرگ) اهمیت ویژه ای در اثبات قتل بودن و عنصر مادی بودن ترک فعل دارد. در حقیقت در صورتی می توان تارک فعل را قاتل و مسئول مرگ دیگری دانست که بتوان نتیجه حاصله را به ترک فعل وی نسبت داد و ناشی از آن دانست. بنابراین فقها و حقوقدانانی که ترک فعل را عنصر مادی قتل نمی دانند، به این علت است که آنان رابطه علیت و سببیت بین ترک فعل و مرگ را منکر هستند و معتقدند چون رابطه سببیت وجود ندارد، پس قتل و ضمانی نیست و تنها تارک فعل مرتکب گناه و اثم گردیده و مسئولیتی بر او بار نمی گردد. از این رو برخی فقها معتقدند در ترک إنقاذ غریق و اطفای حریق و دیگر تروک، اگرچه شخص

قادر به انجام فعل باشد، ولی آن را ترک نماید، ضمانی بر آن مرتبت نیست هنگامی که علت تلف، چیزی غیر از این ترک فعل‌ها باشد (۱۹).

بنابراین برخی ترک فعل‌هایی را که علت منحصراً تلف باشد و با عمد و اختیار نیز ترک کردند، در صورتی که اتلاف، به حسب عرف منتسب به ترک فعل باشد، موجب ضمان دانسته اند. در این حالت است که به دلیل این که رابطه علیت وجود دارد یا به تعبیر فقها ترک فعل علت منحصراً در تلف و مرگ بوده است، برای ضامن دانستن تارک، وجهی را در نظر گرفته اند (۲۱).

پس شاید بتوان گفت فقها نیز در واقع در ترک فعلی که مد نظر ما است و رابطه سببیت در آن بین ترک فعل و نتیجه که همان مرگ است، وجود دارد، قتل را محقق می دانند، ولیکن شبهه و اشکال آنان در مواردی است که ما آن را ضمان آور نمی دانیم، شبیه موردی که صاحب جواهر آورده اند و آن این که اگر کسی دیگری را در آب بیندازد و یا شخصی خود بدون آموزش شنا در دریا ببرد و فرد ثالثی، وی را نجات ندهد، پس در این حالت مرگ مستند به عامل اول، یعنی همان عامل انسانی (حتی خود شخص) و یا غیر انسانی مثل حیوان و از این قبیل موارد است و به تارک ربطی ندارد و مسئولیتی نیز بر او نیست (۱۹).

قتلی که عنصر مادی آن ترک فعل باشد، جز به صورت تسبیب صورت نمی گیرد و در ترک عمل و وظیفه به صورت بدیهی مباشرت مستقیم وجود ندارد، پس در مباحث رابطه سببیت هر کجا سخن از سببیت باشد، قتل به نحو تسبیب منظور است، همان گونه که شاید منظور فقها از اینکه ترک فعل را به این دلیل که علت منحصراً در تلف نیست، موجب ضمان ندانستند نیز تسامح در لفظ باشد و منظور همان سبب نبودن ترک فعل در این مصادیق باشد. حقوقدانان نیز در بحث از تسبیب در قتل می گویند، تسبیب یا وجودی است یا عدمی (و به صورت فعل و ترک فعل محقق می شود) و در نهایت نیز تسبیب عدمی را مانند وجودی دانسته اند و موجب قصاص

محسوب داشتند (۲۲) که می‌توان آن را شاهی بر این دانست که ترک فعل با مباشرت و علت ممکن نیست.

۲-۴. رابطه سببیت در حقوق امارات: در مورد رابطه سببیت در فقه عامه، شافعی‌ها و حنبلی‌ها زمانی با مالکی موافق هستند که علت مناسب و مولد را اتخاذ می‌کنند و دامنه عمل را به جهت و سبب گسترش می‌دهند، اما اقامه علت را در نظر می‌گیرند. بین عمل و نتیجه بر غلبه حدس و گمان است، در حالی که مالکی، اقامه سبب را پس از کافی و مقتضی بودن عمل مجرم برای حصول نتیجه، قوی‌ترین دلیل را نیز برای وقوع ضرر لازم می‌دانند. عوامل مؤثر در عمل مجرم، رابطه علی بین عمل او و نتیجه را قطع می‌کنند. در این مورد حنفیه می‌گویند علت مستقیم، زیرا برای اقامه رابطه علت شرط می‌کنند که فعل مرتکب تنها و مستقیم دلیل بر نتیجه باشد، اما اگر عوامل دیگری در آن دخیل باشد، علت ثابت نمی‌شود، مگر اینکه این عوامل را بتوان به فعل مرتکب یا آنچه افزودن علت به علت نامیده می‌شود، اضافه کرد.

رابطه سببیت، پیوند بین رفتار مجرمانه و نتیجه حاصل از آن است، زیرا پیامد مبتنی بر آن رفتار است. رابطه سببیت یکی از ارکان رکن مادی جرم است، اما منحصر به جرائم با نتیجه مادی است که مدل حقوقی آن مستلزم نتیجه مجرمانه‌ای است که منجر به تغییر در دنیای خارج می‌شود (۲۳).

اگر رفتار مجرمانه به خودی خود برای ایجاد نتیجه مجرمانه کافی باشد، رابطه سببیت در این مورد به عنوان علت مستقیم توصیف می‌شود، مانند تیراندازی به محل کشنده در بدن مقتول و کشتن او.

با این حال، اگر نتیجه به تعویق بیفتد یا دلایل دیگری به رفتار مجرمانه‌ای که منجر به نتیجه می‌شود، کمک کند، چه آن دلایل قبل از رفتار مانند ضعیف بودن بدن قربانی باشد، چه همزمان که با رفتار مجرمانه اتفاق می‌افتد، موضوع دشوارتر می‌شود یا متعاقب آن رفتاری که منجر به نتیجه یا تأخیر می‌شود، این سؤال را در مورد نقش هر یک از رفتارهای مجرمانه و نقش آن دلایلی که با آن در به نتیجه رسیدن آن کمک کرده است، مطرح می‌کند، مثلاً فردی که با چاقو به

دیگری ضربه می‌زند و باعث زخمی متوسط می‌شود، اما قصور پزشکی رخ می‌دهد؛ در بیمارستان که منجر به عفونت در زخم می‌شود و باعث تشدید آسیب و منجر به مرگ می‌شود یا اینکه توهینی را در حضور مردم به شخصی بکند و عصبانیت او منجر به سکت قلبی شود که جان او را گرفت و بعد معلوم شد که بیماری قلبی دارد (۲۴).

نظریه‌های زیادی وجود دارند که سعی در یافتن معیاری برای رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه داشته‌اند و این نظریه‌ها در مطالعات مربوط به انواع رابطه سببیت مورد بررسی قرار می‌گیرند و از حوصله این مجیزه خارجند.

۵. مقایسه ارکان جرم قتل عمد در حقوق ایران و امارات: به لحاظ حقوقی برای آنکه فعل انسانی جرم به شمار آید، باید: نخست قانونگذار این فعل را جرم شناخته و کیفری برای آن مقرر کرده باشد (عنصر قانونی)؛ دوم عمل یا ترک عمل مشخص به منصف ظهور و بروز یا لاقط به مرحله فعلیت برسد (عنصر مادی)؛ سوم با علم و اختیار ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی یا معنوی)؛ این عناصر که در تمامی جرائم مشترکند عناصر عمومی نام دارند.

۵-۱. در حقوق ایران: عنصر قانونی جرم قتل عمد در ایران ماده ۲۸۹ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ است که مقرر می‌دارد: «جنایت بر نفس، عضو و منفعت به سه قسم است: ۱- عمدی؛ ۲- شبه‌عمدی؛ ۳- خطای محض.» مطابق ماده ۲۹۰ همان قانون، جنایات در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: «۱- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت بشود، خواه نشود؛ ۲- هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت بشود، خواه نشود؛ ۳- هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده نمی‌شود، لکن در خصوص مجنی‌علیه به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت

خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود، مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد؛ ۴- هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب‌گذاری کند.» همچنین در خصوص عنصر قانونی ترک فعل که موجب جنایت قتل می‌گردد، ماده ۲۹۵ قانون مجازات مقرر داشته: «هرگاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته است، جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض است، مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیردادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.»

ماده ۲۱۴ قانون مزبور نیز شرکت در قتل موجب قصاص را این‌گونه تعریف می‌کند: «هرگاه دو یا چند نفر جراحاتی را برای کسی وارد سازند که موجب قتل او شود، چه در یک زمان یا زمان‌های متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد، همه آن‌ها قاتل محسوب می‌شوند...».

حقوق جزا، وقتی اندیشه و تصمیم را مورد مجازات قرار می‌دهد که به وسیله اعمال مادی و خارجی ظهور یافته باشند (۱۰). در واقع، برخلاف اخلاق که قواعد آن ناظر بر وجدان‌ها است و هرگونه پندار زشت و ناپسند را محکوم می‌کند، حقوق کیفری متضمن اصولی است حاکم بر رفتار انسان‌ها و توأم با تضمین‌هایی که حافظ جامعه بشری است. حقوق جزا پندار نکوهیده و قصد سوء را تا زمانی که مادئاً به منصفه بروز و ظهور نرسیده است، مجازات نمی‌کند، زیرا قصد سوء تا وقتی که انسان برای واقعیت‌بخشیدن به آن جازم نیست، خطری برای نظم اجتماعی دربر ندارد. بنابراین شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء با ارتکاب عمل خاصی به مرحله فعلیت برسد (۱۱).

۵-۲. در حقوق امارات: قانون امارات در راستای قتل از سه عنصر «محل موضوع قتل»، «عنصر مادی» و «عنصر اخلاقی» نام می‌برد. قتل به عنوان تجاوزی به حق بشر در زندگی به وقوع می‌پیوندد، بنابراین مورد تجاوز در جرم قتل، انسان زنده است و بر این اساس در صورت نفی شخصیت انسانی در محل مورد تجاوز، جنایت قتل رخ نمی‌دهد، چنانکه اگر مقتول حیوانی باشد که شخص جنایتکار بدون ضرورت آن را از بین برده باشد که این موضوع تحت ماده دیگری از مواد قانون مجازات قرار می‌گیرد و به همین ترتیب، در صورت عدم وجود شرط زنده‌بودن در محل جنایت، جرم قتل رخ نمی‌دهد، مانند کسی که به بدن انسان مرده شلیک کرده است که این نیز تحت عنوان نوعی دیگر از انواع جنایات قرار می‌گیرد (۲۵).

رکن مادی قتل عمد در امارات قانون مجازات امارات متحده عربی، جرائم مرتبط با زندگی و سلامت و امنیت فرد را در یک فصل از قانون که متشکل از سیزده ماده مربوط به جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای اعمال مجرمانه‌ای که بر زندگی و امنیت فرد تأثیر می‌گذارد، اختصاص داده است که متشکل از سه رکن قانونی، معنوی و مادی است. در قانون امارات رکن مادی قتل با هر اقدام تعدی و تعرضی به زندگی و حیات قربانی محقق می‌شود، خواه این اقدام همانند قتل عمدی از روی قصد باشد یا مانند قتل غیر عمد از روی قصد نباشد. وسیله و روش تعدی و تعرض هیچ تأثیری در قانون ندارد، مگر اینکه این وسیله و روش تعدی و تعرض، سم باشد. از این رو استفاده از آن یکی شرط تشدیدکننده برای قتل محسوب می‌شود، بدین‌ترتیب رکن مادی جرم قتل با استفاده از هر وسیله‌ای محقق می‌شود تا زمانی که استفاده از آن وسیله منجر به مرگ قربانی شود. بر اساس قانون امارات برای تحقق رکن مادی قتل عمدی، عنصر مادی و در قالب کشتن یک انسان در قید حیات نمایان می‌شود و نتیجه حاصله جنایی از این عمل یعنی از بین‌رفتن روح این شخص و وجود رابطه سببیت بین عمل مجرم و مرگ مقتول است. منظور از رابطه علی (سببیت) به معنای پیوند مستقیم و نزدیک نتیجه جنایی با عمل مجرم است. از این رو ماده ۳۱ قانون مجازات فدرال تصریح می‌کند:

قانونگذار ایرانی در ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ ش.)، انجام فعل را برای تحقق جرم قتل ضروری دانسته است، اما در خصوص ترک فعل هیچ تصریحی نکرده است.

۲. رکن مادی قتل عمد در حقوق امارات: در حقوق امارات، عنصر مادی قتل عمد با عمل قتل و در شرع با از بین رفتن روح آدمی مطابقت دارد. رابطه علیت در قانون با ارتباط علت و معلولی بین عمل مجرم و شخص مقتول همخوانی دارد.

قانون مجازات امارات متحده عربی (مصوب ۱۹۸۷ م.) در ماده ۳۱، عنصر مادی جرم را به عنوان فعالیت مجرمانه‌ای تعریف می‌کند که از طریق ارتکاب فعل یا ترک فعل صورت می‌گیرد.

۳. مقایسه دو نظام حقوقی: در نظام حقوقی ایران، برخلاف امارات، توجه بیشتری به رکن مادی قتل عمد شده است، اما قانون امارات در خصوص ترک فعل و شرایط آن به نسبت ایران جامع‌تر است.

در قوانین امارات، بیشتر به دو رکن مادی و معنوی قتل عمد پرداخته شده و رکن قانونی به اندازه دو رکن دیگر مورد توجه قرار نگرفته است.

بحث

بررسی رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات نشان می‌دهد که هر دو کشور از منابع فقه اسلامی و شریعت اسلامی بهره برده‌اند، اما تفاوت‌هایی در نحوه تعریف و تطبیق این عنصر وجود دارد. در حقوق ایران، قانونگذار به وضوح بر اهمیت فعل در تحقق جرم قتل تأکید کرده است، اما در مورد ترک فعل و شرایط آن، کمبود قوانین مشخصی وجود دارد. از سوی دیگر، قانون امارات به طور جامع‌تری به ترک فعل و شرایط آن پرداخته است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده توجه بیشتر قانون امارات به جنبه‌های عملی و کاربردی رکن مادی قتل عمد است.

رابطه سببیت نیز در هر دو نظام حقوقی به عنوان یکی از ارکان اصلی رکن مادی مطرح است. با این حال، نحوه تفسیر و اعمال این رابطه در دو کشور متفاوت است. در حقوق ایران، رابطه سببیت به صورت مباشر و تسبیب مورد بررسی قرار

«عنصر مادی این جرم شامل فعالیت‌های مجرمانه با ارتکاب یا پرهیز از یک عمل است.» از متن ماده فهمیده می‌شود زمان که ارتکاب چنین کاری یا نادیده گرفتن توسط قانون جرم باشد که هیچ تفاوتی بین تیراندازی به مقتول و شکنجه دادن او مثلاً با منع دارو وجود ندارد، مشروط بر اینکه عملی که قاتل بر علیه مقتول صورت داده باشد، طبق قانون جرم باشد، این مسأله به خوبی رابطه علیت میان عمل و نتیجه را نشان می‌دهد (۱۲).

در همین راستا نیز ماده ۳۲ قانون مجازات امارات تصریح می‌کند که: «شخص، برای جرمی که نتیجه فعالیت مجرمانه وی نبوده، بازخواست نمی‌شود»، پس در خصوص نقش عنصر مادی در قتل عمد در قانون امارات می‌توان نتیجه گرفت که عنصر مادی جرم قتل در قانون عبارتست از: عمل قتل و در شرع با از بین رفتن روح آدمی تطابق دارد و رابطه علیت در قانون با ارتباط بین علت و معلولی بین عمل مجرم و شخص مقتول مطابقت دارد، یعنی در بین آن‌ها هیچ وسیله واسطه‌ای در قتل وجود ندارد.

روش

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای انجام شده است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، اسناد قانونی و پژوهش‌های پیشین جمع‌آوری شده‌اند. هدف از این پژوهش، بررسی و مقایسه ماهیت رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران و امارات متحده عربی است. در این راستا، قوانین مرتبط با قتل عمد در دو کشور، با توجه به اصول فقه اسلامی و نظام حقوقی هر یک، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها

۱. رکن مادی قتل عمد در حقوق ایران: عنصر مادی قتل عمد در حقوق ایران شامل سه جزء اصلی است: ۱- تعدی و تعرض به حیات قربانی؛ ۲- مرگ قربانی و رابطه سببیت بین عمل مجرم؛ ۳- نتیجه جرم.

می‌گیرد، در حالی که در حقوق امارات، تأکید بیشتر بر روی ارتباط مستقیم بین عمل مجرم و نتیجه جرم است.

نتیجه‌گیری

در مقایسه ارکان قتل عمد به خصوص رکن مادی در قانون جزای ایران و امارات با توجه به اسلامی بودن قوانین دو کشور، شریعت اسلام و فقه در مبنا، تعریف قتل، ارکان آن و مجازات در نظر گرفته تأثیر فراوانی دارد، با این تفاوت که گرچه حقوق ایران در بیشتر موارد به ویژه در خصوص مجازات در حوزه قتل عمد و توجه به رکن مادی آن قوی‌تر و بسیار مستحکم‌تر از حقوق امارت است، اما قانون جزای امارات توجه ویژه‌ای به کلیه جرائم خاصه قتل عمد و رکن مادی آن دارد که جای بسیاری از مواد آن در قانون مجازات اسلامی ایران خالی است. با مقایسه نظام حقوقی ایران و امارات در خصوص رکن مادی قتل عمد می‌توان به این نتیجه رسید که در نظام حقوقی ایران برخلاف امارات، با توجه به اینکه رکن مادی قتل از مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری ایران می‌باشد، قانونگذار به صراحت در ماده ۲۰۶ ق.م.ا. فعل را برای تحقق جرم قتل لازم و ضروری شمرده است، اما در خصوص ترک فعل هیچ تصریحی به میان نیامده است. به عبارت دیگر شرایط قتل از طریق ترک فعل در حقوق ایران به طور کلی کمتر متوجه تارک فعل می‌باشد؛ بنابراین قانونگذار می‌بایست برای جلوگیری از تشتت آراء، ترک فعل و شرایط آن را در ق.م.ا تصریح کرده و به طور واضح موضع خود را در قانون مشخص نماید، مسأله‌ای که در قانون امارات به نسبت ایران مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، در قوانین امارات در خصوص قتل عمد عمدتاً از دو رکن مادی و معنوی بحث به میان آمده و به رکن قانونی چندان نپرداخته است و یا اگر هم پرداخته باشد، در مقایسه با دو رکن دیگر به نوعی مجهول است.

مشارکت نویسندگان

موسی یکرنگی: نگارش مقاله، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، گردآوری منابع.

زینب باقری‌نژاد و بهزاد رضوی‌فرد: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2007. p.4185. [Persian]
2. Al-Sharbinī M. Mughni al-Muhtaj ila Ma'rifat Ma'ani Alfaz al-Minhaj. Beirut: Dar al-Ma'rifa; 1997. p.529. [Arabic]
3. Ibn Idris Helli. As-Sarā'er. Qom: Islamic Publishing Institute; 2001. Vol.3 p.504. [Arabic]
4. Special Provisions and Regulations of the Federal Penal Code, United Arab Emirates. 2013. p.22. [Arabic]
5. Pad E. Special Criminal Law. Tehran: University of Tehran Press; 2006. p.30. [Persian]
6. Haeri Shahbagh SA. Commentary on the General Penal Code. Tehran: Islamic Heritage Collection; 2009. p.31. [Persian]
7. Goldoozian I. Special Criminal Law. Tehran: Moj Scientific and Cultural Complex; 2006. p.21. [Persian]
8. Abu Zahra M. Crime and Punishment in Islamic Jurisprudence: Crime. Cairo: Dar al-Fikr al-Arabi; 1998. p.287-286. [Arabic]
9. Al-Ani S, Al-Qudat MM. Special Provisions and Regulations of the Federal Penal Code, United Arab Emirates. Sharjah: University Library; 2013. p.22. [Arabic]
10. Afrasiabi ME. General Criminal Law. Tehran: Ferdowsi Publications; 1995. Vol.1 p.267. [Persian]
11. Ardabili MA. General Criminal Law. 7th ed. Tehran: Mizan Publications; 2022. p.208. [Persian]
12. Najib Hosseini M. Causality in Criminal Law. Translated by Abbas Nia Yazd SA. 2nd ed. Mashhad: Razavi Islamic Sciences University; 2007. p.26. [Persian]
13. Lotfi A, Azizian M. Premeditated Murder and its Comparison with Justifiable Defense in the 2013 Islamic Penal Code. Jurisprudence and Law Studies. 2014; 1(2): 86. [Persian]
14. Aghaei Nia H. Crimes against Persons (Felony). 12th ed. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2017. p.31, 46-47, 55. [Persian]
15. MirMohammad Sadeghi H. Crimes against Persons. Tehran: Mizan Publications; 2013. p.24-25. [Persian]
16. Ta'amneh BA. The Ruling on a Parent Killing Their Child (Between Jurisprudence and UAE Penal Code). Sharjah: College of Sharia and Islamic Studies, University of Sharjah; 2017. p.252. [Arabic]
17. Penal Code of the United Arab Emirates No.3. 1987. [Arabic]
18. Hashemi Shahroudi SM. Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. 1st ed. Qom: Islamic Encyclopedia of Jurisprudence Institute; 2004. Vol.9 p.24. [Arabic]
19. Najafi MH. Jawahir al-Kalam. Translated and Explained by Naibzadeh A. Tehran: Khorsandi Publications; 2004. Vol.2 p.152-154. [Arabic]
20. Salehi Rad M. Causation and Its Aspects. Hoghooghi Dadgostari Journal. 1999; 28-29: 42. [Persian]
21. Sobhani SA. Mahdh al-Ahkam. Qom: Al-Manar Institute; 2004. Vol.29 p.158. [Arabic]
22. Marashi SMH. Comparative Study of Crime and Criminology from the Perspective of Islam and Criminal Sciences, Part Four. Dadrasi Journal. 2003; 39: 3-6. [Persian]
23. Al-Fahouji A. Penal Code, General Section. Beirut: University Printing and Publishing House; 2000. p.254. [Arabic]
24. Al-Sarraj A. Public Penal Law - Crime Theory. Damascus: Publications of the Syrian Virtual University; 2018. p.125. [Arabic]
25. Al-Maliki M. Tabsirat al-Hukkam fi Usul al-Aqdia wa Manahij al-Ahkam. Riyadh: Dar Ilm al-Kutub; 2003. p.354. [Arabic]